DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8
تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی پیرامون احادیث مناشَدَه در کتاب الغدیر ـ
محمد تقی دیاری بیدگلی، محمد علی تجری، مهدی دهقان منشادی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۰ «ویژه کتابشناخت متون امامیه»، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۳۳–۱۶۵

تحلیل رویکردهای حدیثی علامه امینی پیرامون احادیث مناشَدَه در کتاب الغدیر

محمد تقی دیاری بیدگلی*
محمد علی تجری**
مهدی دهقان منشادی***

چکیده: علامه امینی (م۱۳۹۰ق) در جلد نخست کتاب «الغدیر فی الکتاب والسنه و الادب»، بخشی را تحت عنوان «المناشدة و الاحتجاج بحدیث الغدیر الشریف» آورده که در آن به بررسی گواهی گرفتن‌ها و استدلال‌های افراد مختلف به حدیث غدیر، در جهت اثبات وقوع حادثه غدیر و نیز دلالت آن بر خلافت بلافصل حضرت علی علیه‌السلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته است.

علامه امینی در این قسمت از کتاب به نقل از منابع اهل سنت، نُه مناشده و دوازده احتجاج و نیز حدیث رکبان را آورده که در آن سوارانی در محضر حضرت علی علیه‌السلام، به شنیدن حدیث غدیر گواهی می‌دهند. علامه امینی ضمن تأکید بر ثقه بودن راویان این احادیث نزد عامه، تواتر حدیث غدیر را نیز نتیجه‌گیری کرده و در ضمن آن تحریف‌هایی را که در بیان این نقل‌ها صورت گرفته، آشکار ساخته است.

کلیدواژه‌ها: رویکرد حدیثی؛ مناشده؛ احتجاج؛ علامه امینی؛ کتاب الغدیر.

---

*. استاد دانشکده الهیات دانشگاه قم
**. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه قم
***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه قم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

مقدمه

آثار بزرگان امامیه در زمینه اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام و خلافت بلافصل ایشان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به دو گروه اصلی کتابهای تبیینی و احتجاجی تقسیم می‌شود (خلاصه عبقات الانوار، حدیث سفینه، مقدمه ناشر، ۸). یکی از علمایی که در هر دو زمینه صاحب تألیف هستند، شیخ عبدالحسین امینی نجفی است.

علامه امینی روش تبیینی را عموما در مواجهه با احادیثی به کار می‌برد که هدف وی از بیان آنها تبیین استدلال جمهور شیعه در باب اعتقادات باشد؛ لذا به جای پرداختن به بحث‌های سندی، از حدیث در جهت اثبات مدعای خود استفاده می‌کند. به عنوان نمونه وی کتاب «المقاصد العلیة فی المطالب السنیة» را با چنین رویکردی نوشته است.

روش احتجاجی نیز توسط علامه امینی در مواجهه با مخاطبانی به کار برده می‌شود که در موضوعات مورد بحث با آنها اختلاف نظر دارد؛ لذا از این روش به منظور نقض آرای ایشان بهره می‌برد. در این حالت، علامه، روایات یا نکاتی از شخصیت‌های مورد قبول مخاطب خود نقل می‌کند و سخن نویسندگان رجال و تراجم مورد پذیرش آنها را در مورد این اشخاص می‌آورد که آکنده از مدح و تمجید و بیان مقامات علمی ایشان است، آنگاه مخاطب را به الزام عقلی به قبول نتایج ناشی از آن روایات یا نکات فرا می‌خواند. امینی این شیوه را به خوبی در سراسر کتاب «الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب» بکار گرفته است. او خصوصاً در بخشی از جلد نخست این کتاب بیست و دو نمونه از مواردی را آورده که به حدیث غدیر احتجاج شده و یا آن حدیث به گواهی گرفته شده آورده و به روش احتجاجی به آنها پرداخته است.

روش کار او در این بخش از کتاب، استناد به احتجاج‌ها و استشهادهایی است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

که از طرف ائمه علیهم‌السلام و نیز برخی از صحابه و دیگران نسبت به حدیث ولایت صورت پذیرفته است. این استنادها بر پایه طرق مورد قبول نزد عامه بوده و امینی از احادیث موجود در کتاب‌هایی استفاده کرده که صحت آنها نزد اهل سنت مسلم است. باید دانست که بزرگان عامّه نیز به صحت چنین شیوه‌ای از استدلال اذعان داشته و بارها آنها را به کار گرفته‌اند. به عنوان شاهد مثال؛ فخر رازی ذیل آیه ولایت (مائده/ ۵۵) به عنوان دلیل پنجم در ردّ معنای اولی به تصرف بودن کلمه ولیّ می‌گوید: «أنّ علی بن أبی طالب کان أعرف بتفسیر القرآن من هؤلاء الروافض، فلو کانت هذه الآیة دالة علی إمامته لاحتجّ بها فی محفل من المحافل، و لیس للقوم أن یقولوا: إنه ترکه للتقیة» (فخر رازی/۱۲- ۳۸۵). باور وی این است که وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر مطلبی دالّ بر امامت خود استدلال نموده باشد، دلیل بر حقانیت آن امر است.

حدیث ولایت یا حدیث غدیر

این حدیث از صدر اسلام تاکنون، از احادیث مسلّم نزد شیعه و سنی بوده که شیعیان در بحث و مناظره به آن پناه برده و مخالفان یارای انکار صدور آن را نداشته‌اند؛ بنابراین از بدو امر، احتجاج به این حدیث بسیار صورت پذیرفته و در میان صحابه و تابعین رواج داشته و در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام استدلال به آن شایع بوده است.

برخی از منابع حدیثی، بخشی مستقل درباره مناشده به حدیث غدیر آورده‌اند (امینی، ۳۲۸/۱-۴۲۲؛ میلانی، ۹/ ۵-۳۸؛ حسینی طهرانی ۹/۹-۱۲۰). در برخی از منابع نیز این مناشده‌ها به صورت پراکنده و نه الزاماً تحت یک عنوان معین آورده شده است (شوشتری، ۲۳۲/۶-۲۵۸ و ۴۳/۲۱-۱۱۶ و ۴۰۸/۳۰-۴۱۱؛ طبرسی ۱۱۵-۱۳۰ و ۱۵۱ و ۱۶۲). اصل حدیث مناشده که در آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام فضایل خود را بیان کرده و ابوبکر را بر آنها گواه می‌گیرد، نیز در برخی کتب آمده است (سلیم بن قیس ۵۸۹/۲؛ صدوق ۵۵۰/۲؛ طوسی۳۴۲). در زمینهٔ

فعالیت‌های پژوهشی انجام شده پیرامون مناشده‌ها سه مورد قابل ذکر است: ۱. کتاب ابراهیم جواد با عنوان «احیاء الغدیر فی مدینه الکوفه»؛ ۲. کتاب عبدالرحمن باقرزاده و زینب السادات حسینی با عنوان «یوم الرُحبَه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن» که هر دو منحصر به مناشدهٔ رحبه است. ۳. پایان‌نامه با عنوان «بررسی احادیث مناشده» (امیر توحیدی، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران). در این منابع بیشتر به گردآوری احادیث مناشده و آن هم صرفاً در بخشی از پایان‌نامه پرداخته است؛ بنابراین نگارندگان به مقاله یا کتابی مستقل درباره مجموعه مناشده‌ها دست نیافتند. لذا با توجه به اهمیت مناشده‌ها و احتجاج‌ها به حدیث غدیر و ضرورت بررسی مستقل آنها، این تحقیق صورت گرفت.

مناشده و احتجاج

واژه «مُناشَدَه» از مصدر نَاشَد و اسم مفعول نَشَدَ، به معنای فراخوانی، التماس، دعوت، درخواست کمک و تمنا است. «نشدهٌ» یعنی «او را سوگند داد». «نَشَدتُکَ بِاللّه» یعنی «با قسم به الله از تو پرسیدم» (فراهیدی، ۱۷۹۰/۳) «نَاشَدْتُكَ اللّه و باللّه» یعنی «از تو پرسیدم و تو را قسم دادم» (ابن اثیر، ۵۳/۵؛ طریحی،۱۵۱/۳) و «ناشده اللهَ» و «ناشده بالله» نیز در معنای «او را به خدا قسم داد» و «ضمن قسم به الله از او درباره چیزی پرسید» به کار می‌رود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۲۱/۳) برخی مناشده را «سوگند بردادن، سوگند خورانیدن یا سوگند دادن کسی را به خدا» نیز معنی کرده‌اند.

واژه «احتجاج» مصدر باب افتعال وریشه آن «حجج» به معنای اقامه حجّت بر مدّعا می‌باشد. «حجّ» در لغت به‌معنای قصد است و «حُجّه» که از آن گرفته شده یعنی «دلیل و برهانی که با آن مدّعا اثبات می‌شود.» (زبیدی، ۳۷۴/۱۹) یا «چیزی که به وسیله آن پیروزی در مقابل خصم حاصل می‌شود». (ابن منظور، ۲۲۸/۲) و «احتجّ بالشّیء» یعنی «اتّخذه حجّةً» یعنی «آن را حجّت قرار داد». (ابن منظور، همان)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

نتیجه می‌گیریم که در مناشده و احتجاج، هدف آن است که شخص، برای اثبات مدعای خود، دلیل و برهانی بیاورد؛ با این تفاوت که در مناشده، با مخاطب خود با این صیغه سخن می‌گوید: «أنشدك (أنشدكم) الله... یا أنشدتُك (أنشدتُكم) بالله...» (تو(شما) را به خداوند سوگند می‌دهم که گواهی دهی(دهید)...). بدین سان آنان را به خدا سوگند می‌دهند، ولی دراحتجاج برای اثبات یا ردّ نظریه یا عقیده، بدون ذکر صیغه سوگند، حجت و برهان آورده می‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

رویکرد حدیثی

رویکرد از جمله لغاتی است که در سالیان اخیر به کتاب‌های علمی ما راه یافته است. لذا اثری از آن در کتابهای لغت قدیمی یافت نمی‌شود؛ در واقع امروزه این کلمه به عنوان ترجمه واژه‌هایی نظیر Attitude و Approach به کار می‌رود. برخی براساس ریشه کلمه، Attitude را رهیافت و Approach را رویکرد و برخی نیز برعکس ترجمه کرده‌اند. Attitude به معنای نحوه تفکر یا احساس ما درباره چیزی یا کسی که بر رفتار ما اثر دارد (Meriam-Webster's dictionary/69) و Approach به معنای نحوه تعامل یا اندیشیدن درباره چیزی می‌باشد (Meriam-Webster'sdictionary 92/). بر اساس نظر نخست، رهیافت همیشه شخصی است، ولی رویکرد گاه به معنای رویکرد تاریخی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و گاه به معنای شخصی است. همچنین اگر Perspective را در معنای Viewیا Viewpoint (به معنای نقطه نظر) در نظر بگیریم، با رویکرد هم معنی خواهد بود. (ملکیان، ۲۷۳) بنابراین می‌توان گفت که رویکرد حدیثی در واقع روش‌ها و مبانی است که نقطه نظر فرد را نسبت به حدیث نشان می‌دهد و بیانگر نحوه تفکر نسبت به حدیث می‌باشد که مستقیماً بر فهم و شیوه نقد محدث اثر می‌گذارد.

انگیزه بیان مناشده‌ها در کتاب الغدیر

بررسی کتاب الغدیر نشان می‌دهد که امینی برای اثبات آن که واقعه غدیر رخ داده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در آن حدیث، امامت و خلافت بلافصل حضرت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کرده، سه روش اصلی زیر را به کار برده است:

۱. بررسی‌های سندی و دلالی و اثبات وجود تواتر در نقل حدیث غدیر در منابع اهل سنت

۲. بیان شان نزول برخی آیات به عنوان شاهد صدور حدیث غدیر

۳. بیان اشعار بازگو کننده غدیر و تلقی ادبا از معنی واژه مولی

یکی از روش‌های امینی در راستای اثبات وجود تواتر در نقل حدیث غدیر، بیان مناشده‌ها و احتجاج‌های انجام شده بر آن است؛ برای این منظور، وی بیست و دو مورد از استنادها و احتجاج‌هایی را بیان می‌دارد که حضرت امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، نیز برخی از صحابه و حتی خلفایی همچون عمربن عبدالعزیز و مأمون عباسی در مقابل دیگران به حدیث غدیر نموده‌اند؛ و آن را نشانه‌ای از وقوع قطعی واقعه غدیر بر می‌شمرد (امینی،۱/ ۳۲۷–۴۲۲). وی در مورد علت وقوع مناشده‌ها و احتجاج پیشوایان دین سلام اللّه علیهم اجمعین، خصوصاً امیرالمومنین علیه السلام به واقعه غدیر خم می‌گوید: «این جدیت‌ها همه برای این بوده که این تاریخ روشن و خاطره مقدّس پیوسته تازه و شاداب بماند و گذشت زمان به تدریج این واقعه را متروک و مخفی نسازد» (همانجا، ۳۹/۱).

او در ابتدای بخش «مناشده‌ها و احتجاج‌ها به حدیث غدیر»، علت بیان و کثرت استفاده از مناشده‌ها را علاوه بر اذعان دوست و دشمن به آن، چنین عنوان می‌کند: «این واقعه... به پایه‌ای از تحقّق رسیده که ارباب جدل و معارضه نیز، هر وقت که از طرف مدّعیان آنها دامنه مناظره به آن کشیده شده و قضیه به روایت آن منتهی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

گشته ناچار به آن تن داده و نتوانسته‌اند با هیچ نیرنگ و جدلی آنرا نادیده و یا ناشنیده انگارند» (همانجا، ۳۲۷/۱). در نتیجه بارها بین صحابه و تابعین، چه پیش از دوران خلافت ظاهری امیر المؤمنین علی‌علیه‌السلام و چه در عهد خلافت آن جناب و نیز بعد از آن، استدلال به قضیه غدیر و یاد آوری به آن با مبادله سوگند (مناشده) صورت پذیرفته است.

بخش "المناشده و الاحتجاج بحدیث الغدیر الشریف"

مناشده‌ها و احتجاج‌ها به حدیث غدیر در این بخش از کتاب گردآوری شده است. این بخش از کتاب را می‌توان به چهار قسمت تقسیم کرد:

۱. نخستین استدلال بر حدیث غدیر: نویسنده از گفت و شنودی میان امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام با دیگر افراد در مسجد النبی سخن می‌گوید و تاریخ آن را بعد از رحلت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله ذکر می‌کند. البته شرح واقعه در کتاب ذکر نشده و نویسنده فقط متذکر شده که این ماجرا را سلیم بن قیس هلالی در کتاب خود به تفصیل بیان داشته است.

۲. مناشده‌ها: در این بخش نه مناشده آورده که پنج مورد آنها توسط شخص امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام صورت پذیرفته است.

۳. احتجاج‌ها: در این قسمت دوازده احتجاج به حدیث غدیر بیان شده است.

۴. حدیث رکبان: این حدیث را بین مناشده‌های چهارم و پنجم آورده که بر اساس آن روایت، سوارانی عرب در کوفه نزد حضرت امیرعلیه‌السلام، خود به وقوع واقعه و حدیث غدیر اذعان می‌کنند.

در این مقاله به تحلیل و بررسی نه مناشده می‌پردازد که در همان بخش آورده است؛ البته امینی حدیث رکبان را نیز جزء مناشده‌ها به شمار آورده است، ولی به جهت آن که این حدیث در حیطه توضیحی که پیرامون واژه مناشده داده شد، جای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

نمی‌گیرد، لذا در این مقاله به آن پرداخته نشده است.

بررسی محتوای مناشده‌ها

امینی زمان وقوع نخستین مناشدهٔ صورت گرفته درباره حدیث غدیر را بعد از درگذشت پیامبرﷺ و در مسجد النبی می‌داند؛ ولی به جهت این که وی متعرض این روایت نگردیده، در این مقاله نیز به آن پرداخته نشده است. ایشان در ادامه مناشده‌ها، حدیث رکبان و نیز احتجاج‌ها به حدیث غدیر را آورده، ولی برای رعایت ترتیب زمان وقوع، تفکیکی میان آنها انجام نداده و همگی را پشت سر هم به ترتیب زمانی آورده است. از آنجا که این مقاله صرفاً به بررسی رویکردهای حدیثی علامه در مناشده‌ها پرداخته، گزارشی از آنها بیان می‌شود:

۱. مناشده اول مربوط به امیرالمومنین علیه‌السلام در روز شوری در سال ۲۳ یا ۲۴ هجری است؛ راوی ابوالطفیل عامر بن واثله صحابی پیامبرﷺ است که در روز شوری به عنوان دربان به کار گماشته شده بود تا مانع از ورود مردم شود. این گفتگو و مناشده به حدیث غدیر، میان هفت نفری که در شورای تعیین خلیفه سوم حضور داشتند روی داده و همگی به صدق گفتار حضرت علی علیه‌السلام شهادت داده‌اند. در پایان این قسمت، امینی به سخن سیوطی در مورد موضوع بودن حدیث مزبور پاسخ گفته است.

۲. مناشده دوم در زمان خلافت عثمان بن عفان میان امیرالمؤمنین و گروهی دویست نفره در مسجدالنبی رخ داده است؛ راوی سلیم بن قیس تابعی می‌باشد که نام سی نفر از کسانی را که در این حلقه حاضر بوده‌اند آورده است. بنا بر این نقل همه آن جماعت به صدق گفتار حضرت علی علیه‌السلام به طور ضمنی شهادت داده و راوی نام شش نفر از کسانی را که برخاسته و گواهی داده‌اند که سخنان پیامبرﷺ را در روز غدیر شنیده‌اند، آورده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۳. مناشده سوم در سال ۳۵ هجری پس از ورود حضرت امیرعلیه‌السلام به کوفه و در میدان وسیع آن به نام «رحبه» رخ داده است؛ علت برقراری این سوگند دادن، منازعه‌ای است که به جهت پدید آمدن برخی تردیدها در سخنان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد خلافت امیرالمومنین‌علیه‌السلام، میان تعدادی از افراد صورت گرفته است.

این واقعه آن قدر مهم بوده که بسیاری از تابعین آن را روایت کرده و اسناد آن در کتاب‌ها به حد تواتر رسیده است. (همانجا، ۳۳۹/۱) امینی روایت‌های منقول از چهار نفر از صحابه و چهارده نفر از تابعین را به تفصیل و به طرق متعدد آورده و در انتها اسامی ۲۴ نفر از کسانی را که شهادت به گفتار حضرت علی‌علیه‌السلام داده‌اند ذکر کرده است. امینی یکی از علت‌های اهمیت این مناشده را نقل آن توسط افراد متعدد – علی رغم فاصله زمانی ۲۵ ساله وقوع آن تا حجة الوداع و نیز فاصله مکانی کوفه تا مدینه و نیز انجام بدون مقدمه آن که باعث عدم حضور بسیاری ازاصحاب پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در آنجا شده – می‌داند. او همچنین اختلاف تعداد گواهان در احادیث ذکر شده را ناشی از این می‌داند که هر راوی فقط کسانی را که می‌شناخته یا به آنها توجه داشته و یا فقط کسانی را که نزد او یا کنار منبر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بوده‌اند و... برشمرده است.

۴. مناشده چهارم در جنگ جمل میان امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام و طلحه بن عبیدالله روی داده است؛ نذیر کوفی از بزرگان تابعین آن را نقل کرده است که بر اساس آن، طلحه پس از تأیید سخن حضرت علی‌علیه‌السلام بدون گفتن سخن دیگری باز می‌گردد.

پس از مناشده چهارم، امینی ابتدا حدیث رکبان (سواران) و سپس نام شش نفر از اصحاب پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را یاد می‌کند که در روز غدیر حاضر بوده و پس از قسم دادن آنها توسط امیرالمؤمنین از شهادت دادن خودداری کرده و در نتیجه به نفرین ایشان دچار شده‌اند. یکی از این افراد، انس بن مالک است که پیرامون گواهی دادن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

یا گواهی ندادن او اختلاف نظرهایی وجود دارد. امینی به طور مبسوط به این موضوع پرداخته و معتقد است که متن اخبار موهّم به گواهی دادن نامبرده، دچار تحریف و تصحیف شده و به فرض اینکه تحریفی هم دست نداده باشد، در مقابل اخباری که بر کتمان گواهی توسط او و ابتلایش به نفرین آمده، نمی‌تواند برابری کند. (همانجا، ۳۸۸/۱-۳۹۳)

۵. در مناشده پنجم به نقل از سلیم بن قیس هلالی بیان می‌کند که هنگام جنگ صفّین، حضرت علی علیه‌السلام در میان سپاهیان خود و گروهی از مردم و کسانی که از نواحی مختلف و از مهاجرین وانصار حاضر بوده‌اند، بالای منبری رفته وپس از حمد خدا و ذکر برخی از مناقب خویش، آنان را در امر ولایت خود و نیز حدیث غدیر به خدا قسم داده است. سپس هفتاد نفر از اصحاب بدر به پا خاسته (که نام سه نفر از آنها در روایت آمده است) و به صدق گفتار حضرت شهادت داده‌اند.

۶. مناشده ششم پس از بیان دو احتجاج بیان شده است. بنا بر نقل سلیم بن قیس، در سال ۵۸ هجری هنگامی که امام حسین علیه‌السلام به حجّ عزیمت کرده بودند، در منی و در میان حدود ۷۰۰ نفراز بنی‌هاشم، بزرگان انصار، پیروان و وابستگان و نیز ۲۰۰ نفر از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که نام دو نفر آنها آمده - سخنانی ایراد کرده و آنها را در مورد حدیث غدیر به خدا قسم می‌دهند. سلیم می‌گوید که پس از هر جمله از فرمایشات آن جناب، حاضران می‌گفتند: بار خدایا ! تمام این‌ها درست و راست است. (همانجا، ۳۹۹/۱-۴۰۰)

۷. مناشده هفتم پس از پنج احتجاج آمده است؛ این سوگند میان یک جوان با ابوهریره در مسجد یا باب کنده کوفه با یک سند توسط ابی یزید اودی و با سندی دیگر توسط عمربن عبدالغفار نقل شده است.

۸. مناشده هشتم میان مردی با زید بن ارقم رخ داده و ابوعبدالله شیبانی بدون ذکر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

محل انجام آن را نقل می‌کند.

۹. مناشده نهم میان مردی عراقی با جابر بن عبدالله انصاری و در منزل ایشان و در حضور دو امام بزرگوار، علی بن حسین و اباجعفر علیهما السلام و محمد بن حنیفه روی داده که عبدالله بن محمد بن عقیل نقل می‌کند.

در این میان، امینی دو نمونه از تحریفاتی را که درباره مناشده‌های مذکور در کتب اهل سنت انجام شده، مورد بررسی قرار داده است. ایشان در ادامه به بیان پنج احتجاج دیگر پرداخته و در انتها سخن مسعودی را در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام و افضلیت او بر همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است.

روش‌شناسی نقل مناشدات

بنا بر آنچه بیان شد؛ نتیجه می‌شود که علامه امینی هنگام نوشتن بخش مناشدات به نکات بسیاری توجه داشته که این عنایات باعث قوام استدلال ایشان نیز گردیده است. برخی از این دقت نظرها عبارتند از:

۱. بیان فضای وقوع مناشده

امینی در خلال بیان گفت وگوهای صورت گرفته، علاوه بر نام فردی که دیگران را سوگند داده است، اطلاعات دیگری را نیز در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ایشان نام راوی، فرد یا افرادی که مناشده کننده مورد خطاب قرار داده است، زمان، مکان و مناسبت انجام هر یک را و نیز افراد مهمی را که در آن واقعه حاضر بوده‌اند، نام برده است. همچنین در انتهای حدیث رکبان، نام هفت صحابی را می‌آورد که به سبب کتمان حدیث غدیر دچار نفرین امیرالمؤمنین علیه السلام شده‌اند و سپس به بررسی حدیث اصابه الدعوه می‌پردازد. جداول و نمودارهای زیر، این مطالب را به صورت آماری مورد بررسی قرار می‌دهد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۱-۱. راویان

احادیث مناشده را بیست و سه راوی بیان کرده‌اند که عبارتند از:

ابوالطفیل عامر بن واثله	سلیم بن قیس	ابوسلیمان موذن	اصبغ بن نباته	ابو قدامه بجلی	زاذان بن عمر
زر بن حبیش	زیاد بن ابی زیاد	زید بن ارقم	زید بن یثیع	سعید بن ابی حدان	سعید بن وهب
عبدخیر بن یزید	عبدالرحمن ابی لیلی	عمرو بن ذی مر	عمیره بن سعد	یعلی بن مره	هانی بن هانی
حارثه بن مضرب	نذیر ضبی	یزید اودی	ابی عبدالله شیبانی	عبدالله بن محمد بن عقیل	

این راویان را می‌توان به دو صورت تقسیم‌بندی کرد:

۱-۱-۱. تعداد مناشده نقل شده توسط هر راوی

در این میان سلیم بن قیس سه روایت، ابی الطفیل عامر بن واثله دو روایت و سایر راویان هر کدام یک روایت نقل کرده‌اند.

۱-۱-۲. تعداد راوی هر مناشده

مناشده رحبه را چهار صحابی و ۱۴ تابعی نقل کرده‌اند. این مطلب، چهار نکته نشان می‌دهد: الف. کثرت جمعیت حاضر در میدان رحبه؛ ب. شهرکوفه، شهر علم بوده و در آن تعداد زیادی از صحابه و تابعین زندگی می‌کردند. ج. موضوع آن قدر مهم بوده که تعداد قابل توجهی از آنها در میدان شهر حاضر شده‌اند؛ د. تواتر نقل این حدیث که علامه امینی نیز آن را یادآور شده است. سایر مناشده‌ها هر کدام توسط یک راوی نقل شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۲-۱. مخاطبان و گواهی‌دهندگان

در مناشده‌های نقل شده در این بخش از کتاب، مجموعاً ۳۷ نفر شهادت داده که حدیث غدیر را شنیده‌اند. در جدول زیر اسامی گواهی‌دهندگان در مناشده‌ها آورده شده است:

عثمان بن عفان	طلحه	زبیر	سعد بن ابی وقاص	عبدالله بن عوف	عبدالله بن عمر
زید بن ارقم	براء بن عازب	سلمان	ابوذر	مقداد	عمار
جابر بن عبدالله	ابو زینب بن عوف	عمرو بن محصن	ابو فضاله انصاری	ابو قدامه انصاری	ابو لیلی انصاری
ابو هریره	ابوالهیثم بن تیهان	ثابت بن ودیعه	حبشی بن جناده	خالد انصاری	خزیمه بن ثابت
خویلد بن عمرو خزاعی	زید بن شراحیل	سهل بن حنیف	سعد بن مالک خدری	سهل بن سعد	عامر بن لیلی
عبدالرحمن بن عبد الرب	عبدالله بن ثابت	عبید بن عازب	عدی بن حاتم	عقبه بن عامر جهنی	ناجیه بن عمرو خزاعی
نعمان بن عجلان					

۱-۲-۱. تعداد افراد حاضر

در چهار مورد، مخاطب فقط یک نفر بوده و تنها از یک شخص خواسته شده که به عنوان شاهد، سوگند یاد کند و در ماجرای شوری نیز هفت نفر حاضر در آن مجلس سوگند داده شده‌اند. در چهار مورد دیگر، جمع کثیری از افراد مورد خطاب قرار گرفته‌اند که در نقل‌های مختلف، نام برخی از افرادی که به صحت سخنان گفته شده گواهی داده‌اند، ذکر شده است.

۲-۲-۱. تعداد گواهی هر شاهد

در این میان ابوهریره، طلحه و زید بن ارقم در سه مناشده مختلف، به شنیدن حدیث غدیر و اعلان ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داده و سایر افراد یکبار به این امر گواهی داده‌اند.

۳-۲-۱. تعداد گواهان هر مناشده

همچنین تعداد افراد سرشناسی که سوگند خوردن آنها ذکر شده، بر اساس شماره مناشده در جدول زیر آمده است:

شماره مناشده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تعداد گواهی‌دهندگان	۷	۶	۲۴	۱	–	۱	۱	۱	۱

واضح است که در غالب این مناشده‌ها تعداد بسیار زیادی از افراد حضور داشته‌اند؛ ولی راویان بر اساس میزان شناخت از آنها صرفاً نام برخی از ایشان را آورده‌اند. در مناشده پنجم نیز - با آنکه حضرت علی علیه‌السلام در میان سپاه خود سخن گفته و آنها را قسم داده و راوی اذعان دارد که آنها سخن ایشان را تأیید می‌کردند- ولی راوی نامی از این افراد نبرده است.

۳-۱. قسم دهندگان

در این روایات از امیرالمومنین علیه‌السلام پنج مناشده واز امام حسین علیه‌السلام یک مناشده نقل شده است و در موارد دیگر بدون ذکر نام قسم دهنده، صرفاً تعابیری نظیر "شاب"، "رجل" و "رجل عراقی" در نقل آمده است:

نام قسم دهنده	امام علی علیه‌السلام	امام حسین علیه‌السلام	شاب	رجل	رجل عراقی
تعداد مناشده	۵	۱	۱	۱	۱

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۴-۱. مکان انجام مناشده‌ها

براساس نقل‌های بیان شده، مناشده‌ها در محل شورای عمر، مسجدالنبی، میدان رحبه، محلّ جنگ جمل، محلّ جنگ صفین، منی، باب کنده کوفه، کوفه و منزل جابر بن عبدالله انصاری انجام شده است. در جدول زیر تعداد مناشده انجام شده در هر یک از این مکآنها آورده شده است:

محل انجام مناشده	مدینه	کوفه	بصره	شام	مکه
تعداد مناشده	۳	۳	۱	۱	۱

۵-۱. زمان انجام مناشده‌ها

مناشده‌های ذکر شده در کتاب الغدیر در محدوده سال‌های ۲۳ یا ۲۴ هجری تا حداکثر ۹۱ هجری قمری انجام شده است. به نظر می‌رسد مناشده هفتم که در آن همراهی ابوهریره با معاویه در کوفه ذکر شده، مربوط به سال ۴۰ یا ۴۱ قمری و مناشده نهم به قرینه حضور امام سجاد و امام باقر علیهما السلام در منزل جابر بن عبدالله مربوط به سالهای بعد از حدود سال ۶۰ هجری قمری باشد:

محدوده زمانی (ه.ق)	سال ۲۰-۴۰	سال ۴۰-۶۰	سال ۶۰-۹۰
تعداد مناشده	۵	۳	۱

۲. نقل سندها

امینی در غالب موارد سندهای روایت را کامل ذکر کرده و در مواردی نیز سندها را به چند طریق آورده است.

۳. بیان و نقد نظرات محدثان اهل سنت

ایشان در ردّ نظرات افرادی مانند طبری، ابن کثیر، ابن حجر و ذهبی که سعی در سست کردن حدیث غدیر دارند، مطالبی ابراز داشته و تلاش‌های آنها را در جهت تحریف مناشده‌ها و احتجاج‌های صورت گرفته به حدیث غدیر آشکار ساخته است.

۴. استفاده از دیدگاه‌های بزرگان اهل سنت

امینی در انتهای این بخش از کتاب، سخن مسعودی شافعی در بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ذکر حدیث منزلت و حدیث طیر را نیز آورده شده است.

رویکردهای حدیثی علامه امینی در استناد به مناشده‌ها

پس از بررسی محتوای بخش مناشده‌ها در کتاب الغدیر، رویکردهای حدیثی علامه در آن، در سه محور متنی، سندی و تحریف احادیث توسط بزرگان حدیثی اهل سنت، تقسیم‌بندی شده است.

الف) رویکردهای علامه امینی در بررسی متنی

یکی از مبانی امینی در کتاب الغدیر، اهتمام به بررسی‌های متنی و محتوایی حدیث می‌باشد به گونه‌ای که وی همواره آن را مقدم بر نقد سند مدّ نظر دارد و می‌گوید: «انّ واجب المحدّث النظرة فی متن الحدیث قبل البحث عن سنده» (همان، ۳۰۷/۵) یعنی: ضروری است که محدّث قبل از بررسی سند به متن حدیث دقت کند. با بررسی دقت‌های محتوایی امینی در بخش مناشده‌ها چند نکته جلب توجه می‌کند:

۱. تبیین ابهامات موجود در متن احادیث

بررسی بخش مناشده‌ها نشان می‌دهد که امینی صرفاً به نقل حدیث اکتفا نکرده است، بلکه به متن توجه کافی کرده و هر جا ابهامی در متن حدیث بوده در جهت رفع آن کوشیده است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۱-۱. در کتاب مخطوطه «الغیلانیات» به نقل از زید بن ارقم، مناشده رحبه را چنین آورده است: «أنَّ علیا انتشد الناس من سمِع رسول اللّه یقول: «من کنت مولاه فعلی مولاه، اللّهم وال من والاه، و عاد من عاداه» فقام ستة عشر رجلًا، فشهدوا بذلك و کنت فیهم.» (همان، ۳۴۶/۱). امینی در توضیح عبارت "و کنت فیهم" می‌گوید: «منظور از این که می‌گوید: "و من در میان آنها بودم" این است که: او (زید) در میان مخاطبان مناشده بوده، نه از جمله شهود، زیرا همان طور که قبلاً از قول خود او ذکر شد، او از کسانی بود که کتمان شهادت کرد و در نتیجه آن چشمش نابینا شد. بنابراین آن چه از او درباره حدیث غدیر رسیده بعد از دچار شدن به نفرین بوده و یا قبل از اینکه افکار مهلک در او پیدا شود».

۱-۲. در نقل‌های متعدد مربوط به مناشده رحبه، برای تعداد شهود عددهای متفاوتی ذکر شده است. علامه امینی علت این اختلاف در متن روایات را چنین بیان می‌کند:

«این اختلاف ناشی از آن است که هر راوی فقط کسانی را که می‌شناخته یا به آنها توجه داشته یا نزد او یا اطراف منبر بوده‌اند دیده و یا آن که فقط افرادی از اصحاب بدر یا انصار که در آن مجلس حضور داشته‌اند مورد توجه راوی بوده است. همچنین احتمال می‌دهد که در اثر بلند شدن صدای افراد جهت شهادت دادن و نیز توجه افراد به درک موضوع شهادت و وجود اختلال و هرج و مرج در مجلس بعضی از روات، از برخی دیگر از افراد غافل شده‌اند». (همان، ۳۷۸/۱)

۱-۳. نکته دیگری که امینی به آن توجه دارد، مربوط به نقل ابوالطفیل عامربن واثله صحابی پیامبرﷺ از روز رحبه است. راوی می گوید: پس از پایان مناشده از میدان خارج شدم: «فخرجت و کأنّ فی نفسی شیئاً» (همانجا، ۳۵۶/۱). امینی برای آن که توضیح دهد که منظور از "شیئاً" چیست، با استناد به کتاب «الریاض النضرة» این توضیح را آورده است: «فخرجت و فی نفسی من ریبة شیء.» (محب الدین طبری، ۳/ ۱۱۴) که نشان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

می‌دهد ابوالطفیل دچار شک و تردید شده است.

۴-۱. دقّت نظر دیگر امینی آنجا است که ابوالطفیل پس از بیان ماجرای رحبه از فطر می‌پرسد: «کم بین القول و بین موته؟» و او پاسخ می‌دهد: «مائة یوم». (همان) امینی ضمن بیان قول ابوحاتم و عاصمی می‌کوشد این ابهام را که منظور، وفات چه کسی است، برطرف سازد: «و این تقدیر(صد روز) با هیچ یک از دو موضوع وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و شهادت امیر المؤمنین علیه السلام سازش ندارد؛ زیرا مناشده در اوایل خلافت ظاهری حضرت امیر علیه السلام (سال ۳۵) صورت گرفته و بعد از آن تاریخ ایشان تقریبا پنج سال زیسته است؛ لذا با شهادت حضرتش سازگار نیست. در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، آن جناب هفتاد روز پس از روز غدیر وفات یافته‌اند، ولی این روایت به مدت نزدیک‌تر است.» (امینی، ۳۵۷/۱)

۲. بیان تفاوت نقل‌ها در طرق مختلف یک حدیث

امینی بیشتر مناشده‌ها را به طریق‌های مختلف آورده و در عین حال به اختلافات این نقلها، حتی تفاوت‌های جزیی بین متن این طریق‌ها نیز توجه داشته است که دقت نظر بیش از حدّ ایشان را می‌رساند:

۲-۱. در مناشده امام حسین علیه السلام عبارت "بسنتین" آمده است، ولی علامه ذکر می‌کند که: «فی بعض النسخ: بسنة.» (همان، ۳۹۹/۱)

۲-۲. در کتاب سلیم، ضمن مناشده مردی عراقی بر جابر بن عبدالله سوگند با لفظ "باللّه" (همان، ۴۱۰/۱) ضبط شده است، اما امینی اشاره می‌کند: «فی لفظ شیخ الإسلام الحمّوئی: أَنشُدُك اللّه الأحد.» این ضبط، علاوه بر آن که نشان دهندهٔ دقت علامه امینی در اختلاف متن‌هاست، بر مناشده‌ای بودنِ این سوگند نیز تأکید دارد.

۳. تشخیص تحریف در متن حدیث با مقایسه آن با سایر احادیث

یکی از روش‌هایی که امینی در نقد احادیث به کار می‌برد، مقایسه متن آنها با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

احادیث دیگری است که در همان زمینه صادر شده است. این روش باعث می‌گردد که اگر در حدیث تحریف، افتادگی، زیادتی و یا تصحیفی صورت گرفته باشد، آشکار شود.

به عنوان مثال در کتاب مناقب علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، در نقل عمیرة بن سعد از مناشده رحبه آمده است که پس از آن که حضرت علی علیه‌السلام اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را سوگند داد، سیزده نفر از آنان برخاستند: «منهم: أبوسعید الخُدری، و أبوهریرة، و أنس بن مالك، فشهدوا.» (ابن مغازلی، ۲۶)؛ سپس با مقایسه این روایت با سایر روایات نقل شده از عمیرة بن سعد، در مورد ذکر نام انس بن مالک به عنوان یکی از شهود، تحریف در متن را واضح می‌داند و می‌گوید: «إنَّ أَنَساً ممّن کان حول المنبر، لا من شهود الحدیث، کما مرّ فی هذه الروایة بلفظ أبی نعیم فی الحلیة، و کذلك فی بقیة الأحادیث، و هو الذی أصابته دعوة الإمام علیه‌السلام، ففی هذا المتن تحریف واضح.» (امینی، ۳۷۰/۱)

۴. تشخیص افتادگی در متن

همان گونه که ذکر شد، امینی گاه با مقایسه یک حدیث با سایر طرق نقل آن حدیث، افتادگی در متن را آشکار می‌سازد:

۴-۱. امینی نشان می‌دهد که در همه طرقی که مناشده رحبه را به نقل از زید بن یثیع بیان می‌کند، تعداد افرادی که برای شهادت دادن بر می‌خیزند، دوازده نفر ذکر شده است، در حالی که در کتاب خصائص امیرالمومنین صرفاً آمده است: «فقام ستّة من جانب المنبر الآخر، فشهدوا أنَّهم سمعوا رسول اللّه صلی الله علیه و سلم یقول ذلك.» (نسائی، ۱۰۱) لذا امینی در مورد عبارت «فقام ستّة من جانب المنبر الآخر» عقیده دارد که افتادگی روی داده است و سپس خودش آن را چنین کامل می‌کند: «فیه سقط و لعلّه کذا: فقام ستّة من جانب المنبر، و ستّة من جانبه الآخر.» (امینی، ۳۴۸/۱)

۴-۲. در مسند ابن حنبل، هنگام بیان مناشده رحبه به نقل از عبدالرحمن بن ابی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

لیلی این عبارت دیده می‌شود: «فقام اثنا عشر بدریاً کأنّی أنظر إلی أحدهم» (احمد بن حنبل، ۱۹۱/۱). دقت نظر امینی تا آنجا است که با مراجعه به کتاب «اسد الغابّه» بیان می‌کند که لفظ "علیه سراویل" از حدیث افتاده است. (امینی، ۳۶۱/۱)

۳-۴. در فرائد السمطین هنگامی که مناشده رحبه را از سعید بن ابی حدان نقل می‌کند، عبارت بیان شده توسط شاهدان غدیر به صورت «اللّهمّ والِ من والاه، و عادِ من عاداه، و انصر من نصره، و أحبّ من أحبّه، و أبغض من أبغضه» ضبط شده است (حموینی، ۶۸/۱)؛ در حالی که مقایسه آن با سایر نقل‌های ذکر شده نشان می‌دهد که عبارت «من کنتُ مولاه فعلی مولاه» از آن حذف شده است. این مطلب نیز از دید امینی مخفی نمانده و ایشان به جهت آشکار بودن موضوع، بدون بیان قسمت حذف شده در مورد آن می‌گوید: «کذا لفظه فی النسخة و لا یخفی علیك ما فیه من السقط.» (امینی، ۳۵۱/۱)

۵. تشخیص زیادتی در متن

امینی نشان می‌دهد که چگونه راویان یا استنساخ کنندگانی وجود دارند که گاه برای تطهیر افراد، دست در احادیث برده و کلامی که باعث مدح آن شخص یا اشخاص شود به روایت افزوده‌اند.

افرادی بودند که وقتی حضرت علی علیه‌السلام در میدان رحبه مردم را به خدا سوگند می‌دهد که کسانی که سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روز غدیر مبنی بر خلافت وی را شنیده‌اند برخیزند، امتناع کرده و دچار نفرین حضرت شدند. یکی از آنها انس است. در حلیة الاولیاء به نقل از عمیرة بن سعد نفرین حضرت علی علیه‌السلام در حق انس به صورت «اللّهمّ إن کان کاذباً فاضربه ببلاء حسن» ضبط شده است (ابو نعیم اصفهانی، ۲۶/۵) اما امینی معتقد است که کلمه "حسن" توسط راویان یا نویسندگان به حدیث اضافه شده، لذا می‌گوید: «لفظ «حسن» توسط راویان یا استنساخ کنندگان افزوده شده است، زیرا سایر احادیث موید آن است که کوری یا برصی که انس به آن مبتلا شد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

نکبتی بود که در اثر دعوی خلاف واقع و عذر پیری و فراموشی به او رسید و قطعاً چنین بلائی بلای حسن نخواهد بود، چرا که این بلا به جهت رسوا کردنش بر سر او آمد و خود نیز به آن اذعان داشت و مدام ورد زبانش بود». (امینی، ۳۶۹/۱)

ب) رویکردهای علامه امینی در بررسی سندی

یکی از روش‌های نقد حدیث، نقد سند است. شیوه‌های نقد سند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گاهی محدث با یافتن ضعف‌های سند، حکم به ضعیف یا موضوع بودن آن می‌دهد و گاه با تأکید بر نبودنِ اشکال در آحاد یا سلسله سند، می‌کوشد که بر صحیح بودن حدیث تأکید کند. امینی در بخش مناشده‌ها به روش دوم عمل می‌کند. او پس از پذیرفتن صحت متن روایاتی که آورده و تأکید بر متواتر بودن آنها می‌کوشد ضمن تأکید بر ثقه بودن غالب راویان این روایات، ضعف‌های ظاهری سند آنها را نیز اصلاح کند.

۱. تبیین راوی موجود در سند

برای آن که مسیر تشخیص ثقه بودن راویان سلسله سندها هموارتر گردد، هر راوی در سند که کمتر شناخته شده باشد توسط امینی معرفی گردیده است. از جمله این افراد می‌توان به نام‌هایی چون ابواسراییل، حکم، الاجلح، ابویعلی انصاری، حسن بن الحسین، جدّ رفاعه و ابوعبدالله الشیبانی اشاره کرد. امینی برای رسیدن به این منظور دو روش را به کار بسته است:

۱-۱. گاهی پس از معرفی راوی، حکم به ثقه بودن وی را نیز بیان می‌کند. به عنوان مثال، او ابواسراییل را به صورت «إسماعیل بن خلیفة الملّائی المتوفّ ۱۶۹، وثّقه الحافظ الهیثمی فی مجمعه و صحّح حدیثه.» (همان، ۳۳۹/۱) معرفی می‌کند.

۱-۲. گاهی نیز خواننده را به شرح حال وی که در بخش راویان حدیث غدیر آمده ارجاع می‌دهد. به عنوان نمونه وی «حَکَم» را به صورت «ابن عتیبة، الثقة، المترجم ص

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۶۳» (همان) می‌شناساند.

۲. تشخیص تصحیف در سند

در سند برخی از حدیث‌ها تصحیف‌هایی روی داده که تنها یک حدیث‌شناس آگاه، قادر به شناسایی آن می‌باشد. امینی علاوه بر بیان مناشده‌ها برای رسیدن به مقصود خویش نشان می‌دهد که سند و نیز محتوای هر یک از آنها را به دقت بررسی کرده است، به گونه‌ای که با دقّت در سندها هر جا تصحیفی روی داده است، آن را مشخص کرده است که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. در ینابیع الموده راوی مناشده بر زید بن ارقم، ابوعبدالله شیبانی است (قندوزی،۲/۷۳)، در حالی که امینی می‌گوید: هر چند در کتابها نام وی به همین صورت آمده است، ولی شاید صحیح آن ابوعمرو شیبانی باشد، سپس شرح حال وی را از «تذکرة الحفّاظ» ذهبی می‌آورد: «و هو التابعی الکبیر [سعد بن إیاس من بنی] شیبان بن ثعلبة، الکوفی المتوفّی۹۸، کان یقرأ القرآن فی المسجد الأعظم بالکوفة». (امینی، ۴۰۸/۱)

۲-۲. علامه امینی در مکاتباتی که با دکتر مصطفی جواد بغدادی[1] داشته، موردی از تصحیف در سند روایات مناشده را می‌یابد. در«فرائد السمطین» در مناشده مرد عراقی بر جابربن عبدالله انصاری آمده است: «أخبرنا الإمام الفقیه کمال الدین أبو غالب هبة اللّه [بن أبی القاسم بن أبی غالب] السامری بقراءتی علیه بجامع النصر». (حموینی، ۱/ ۶۲) علامه دراین باره می‌گوید: «کتب إلینا الدکتور مصطفی جواد البغدادی: و الصواب: بجامع القصر، و هو جامع سوق الغزل الحالی». (امینی، ۴۱۰/۱)

۲-۳. در مواردی نیز امینی، خود، تصحیفِ انجام شده در سند را مشخص می‌سازد

۱. دکتر مصطفی جواد بغدادی، ادیب، مدرس و از اعضای مجامع عربی دمشق و بغداد است. وی تحصیلاتش را در بغداد و قاهره و در دانشگاه سوربن ادامه داد و به تدریس در مراکز آموزشی مختلف پرداخت که آخرین آنها دارالمعلّمین العالیه است. وی از اساتید مبرز ادبیات عرب در دوره اخیر است. (زرکلی، ۷ /۲۳۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

که گواه دقّت و معلومات رجالی ایشان است. حاکم در «المستدرک علی الصحیحین» سند مناشدهٔ حضرت علی علیه‌السلام بر طلحه به صورت زیر آمده است: «أبی الولید و أبی بکر بن قریش، قالا: حدّثنا الحسن بن سفیان، حدّثنا محمد بن عبدة، حدّثنا الحسن بن الحسین، حدّثنا رفاعة بن إیاس الضبّی، عن أبیه، عن جدّه.» (حاکم نیشابوری، ۳ /۴۱۹). امینی به واسطه حضور رفاعه درسند (و آگاهی از نام شاگردان او) حسن بن الحسین را تصحیف شدهٔ حسین بن حسن الاشقر می‌داند، و به عنوان شاهد مدعای خود می‌گوید: «کما هو فی إسناد ابن عساکر فی ترجمة طلحة». (امینی، ۳۷۹/۱)

۴-۲. امینی در سند مناشده یوم الشوری «ابی دام» را تصحیف شده «ابی دارم» برمی‌شمرد (همان، ۳۲۹/۱)، ضمن آن که در سند مناشده رحبه به نقل از ابن حجر در مورد اسماعیل بن عمرو بجلی می‌گوید: «ذکره ابن حجر فی تهذیبه [تهذیب الکمال] و قال: و ما أظنّه إلّا تصحیفاً من إسماعیل بن عمر الواسطی، و حکی فی إسماعیل بن عمر الواسطی ثقة، عن الخطیب و ابن المِدِینی و ابن حبّان، و قال: مات بعد المائتین. و فی سند ابن المغازلی و ابن کثیر- کما یأتی-: عمر، و هو الصحیح». (همان،۳۶۸/۱)

۳. توجه به سقط در سند

نخستین راوی که امینی مناشده رحبه را از او نقل می‌کند، ابوسلیمان مؤذن است. وی سپس افتادگی در سند را احتمال می‌دهد و می‌گوید: «و یأتی بطرق أخری عنه عن زید بن أرقم، و لعلّ هذا من ذلك، و فیه سقط» (همانجا، ۳۳۹/۱). سخن سید عبدالعزیز طباطبایی محقق کتاب الغدیر نیز - که در حاشیهٔ الغدیر آمده - مؤید سخن امینی است که این افتادگی را قطعی می‌داند و می‌گوید: «بل السقط متیقّن؛ فالطرق و المصادر الکثیرة الآتیة فی زید بن أرقم فیها کلّها عن أبی سلمان عن زید بن أرقم... و یدلّ علیه أنَّ الذهبی رواه عن الغیلانیات، و روایة الغیلانیات عن أبی سلمان عن زید بن أرقم. و الصواب فی کنیته المؤذّن أبو سلمان، کما هو فی المصادر الرجالیة و ورد فی الطرق و الأسانید.» (همان)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۴. تأکید بر ثقه بودن روات

هدف امینی از ذکر احادیث مناشده اثبات تواتر حدیث غدیر است، بدین روی می‌کوشد روایاتی را مستند بحث خود قرار دهد که نتوان خدشه‌ای در سند آن وارد کرد. بنابراین بارها از صحیح بودن طرق مناشده و وثاقت روات سندها با تکیه بر منابع اهل سنت سخن به میان می‌آورد و در این راه کلام بزرگان حدیثی عامه را در ثقه دانستن راویان موجود در سلسله سندها آورده است. بررسی این بخش از کتاب نشان می‌دهد که علامه برای این منظور دو روش را به کار بسته است:

۴-۱. ارجاع به بخش راویان حدیث غدیر

هر محققی که با کتاب الغدیر سرو کار داشته باشد، تأیید می‌کند که در این کتاب چنان با دقت به موضوعات مختلف پرداخته شده است که می‌توان هر یک را به صورت کتابی مستقل منتشر کرد. محمدرضا شفیعی کدکنی می‌گوید: «آفاق تحقیقات علامه امینی در یک یکِ مباحثِ کتاب چندان گسترده و فراخ دامن است و عمیق، که می‌تواند هر بخش و هر فصل آن جداگانه به عنوان کتابی مستقل و مفرد به شمار آید.» (حماسه غدیر، ۴۶۲)

یکی از این بخش‌ها قسمت «راویان حدیث غدیر» است که در آن امینی اسامی ۱۱۰ تن از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین پیامبرﷺ و نیز ۳۶۰ تن از راویان حدیث غدیر از قرن دوم تا چهاردهم را که حدیث غدیر را نقل کرده یا در سلسله سندهای آن قرار دارند، با تکیه بر منابع اهل سنت آورده است. این بخش از کتاب الغدیر، در واقع خود نوعی کتاب رجالی به شمار می‌رود که در آن امینی شرح حال راویان غدیر و نیز وثاقت ایشان از نگاه نویسندگان رجالی اهل سنت را بیان داشته است. بنابراین وقتی علامه سند مناشده‌ها را ذکر می‌کند، پیشاپیش وثاقت بسیاری از راویان سلسله سند را بیان کرده است؛ هر چند که گاه ارجاعاتی نیز به این بخش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

می‌دهد. به عنوان مثال، علامه اغلب شماره صفحاتی را که شرح حال راویان مناشده رحبه در آنها ذکر شده، بیان می‌کند. (امینی، ۳۳۹/۱-۳۷۳)

۲-۴. تأکید بر صحت طرق و وثاقت راویان

امینی در مواردی بر صحیح بودن طرق مناشده یا ثقه بودن تمام رجال سند، بر اساس کلام محدثان بزرگ اهل سنت نظیر احمد بن حنبل تأکید می‌کند. به عنوان نمونه ایشان در مورد مناشده رحبه تصریح می‌کند: «کثیر من طرق هذه المناشدة صحیح رجاله ثقات.» (امینی، ۳۳۹/۱) و در ادامه آن را در چندین مورد مستند به گفته احمد بن حنبل، طبرانی و هیثمی نموده است: «و رواه الحافظ الهیثمی فی مجمع الزوائد (۱۰۶/۹) من طریق أحمد، و قال: رجاله ثقات.» (همان، ۳۴۴/۱). نیز در مورد مناشده ابوهریره می‌گوید: «إسناد هذه المناشدة من طریق إدریس بن یزید صحیح، رجاله کلّهم ثقات.» (همان، ۴۰۶) و در ادامه سخن هیثمی را می‌آورد: «و رواه الحافظ أبو بکر الهیثمی فی مجمع الزوائد نقلًا عن أبی یعلی و الطبرانی و البزّار بطریقیه، و صحّح أحدهما و وثّق رجاله.» (همان)

همچنین درمورد تعدادی از سندها بر ثقه بودن برخی از رجال آنها تأکید شده است. ایشان در مورد وثاقت أبوإسرائیل می‌گوید: «وثّقه الحافظ الهیثمی فی مجمعه [مجمع الزوائد] و صحّح حدیثه.» (همان، ۳۳۹/۱)، همچنین هانی را به نقل از کتاب تاریخ ابن کثیر، ثقة (همان، ۳۶۹/۱) و حکم را نیز پس از معرفی، ثقه می‌نامد. (همان، ۳۳۹/۱)

۵. توثیق راوی ضعیف در سند

از آنجا که رویکرد امینی در روایات مناشده احتجاجی است، وی می‌کوشد تا صحت و قوت روایات این قسمت را نشان دهد، بنابراین می‌بینیم که سیوطی برای موضوعه خواندن حدیث شوری رأی به تضعیف یکی از راویان سند (زافربن سلیمان) و وجود فردی مجهول (رجل) در آن می‌دهد (اللآلی المصنوعه، ۳۶۱/۱). اما امینی سه مسیر برای ردّ دعوی سیوطی بر می‌گزیند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

اول آن که وی با بیان چندین طریق و سند دیگر - که در آنها نه زافر هست ونه فردی مجهول - موضوعه بودن روایت را ردّ می‌کند. (امینی، ۳۳۴/۱)

دوم آن که ابتدا به روش برهان خلف فرض می‌کند مطابق نظر سیوطی زافر ضعیف است، سپس می‌پرسد: «فهل الضعف بمجرّده یحدو إلی الحکم الباتّ بالوضع؟» یعنی: آیا به صرف وجود راوی ضعیف در طریق یک حدیث، می‌توان به جعلی بودنِ آن حکم قطعی داد؟! (همان) در حالی که در ادامه، نظر جاریِ علمای حدیثی را در مورد روایت نقل شده از ضعفاء آورده و بیان می‌کند که چه بسا حفّاظ ثقه و صاحبان دقّت نظر در نقل حدیث، به واسطه قرائن بسیاری که بر صحّت یک حدیث وجود دارد، آن روایات را آورده و راوی ضعیف موجود در سند آن را صرفاً در آن مورد به خصوص مورد اعتماد و وثوق می‌شمرند، هر چند در سایر موارد اعمالش ناپسند بوده و مورد اعتماد نباشد و به این صورت از آن حدیث به عنوان مؤید استفاده می‌کنند. لذا علامه می‌گوید: «فإنّ أقصی ما فی روایة الضعفاء عدم الاحتجاج بها و إن کان التأیید بها ممّا لا بأس به، علی أنّا نجد الحفّاظ الثقات المتثبتین فی النقل ربّما أخرجوا عن الضعفاء لتوفّر قرائن الصحّة المحفوفة بخصوص الروایة أو بکتاب الرجل الخاصّ عندهم، فیروونها لاعتقادهم بخروجها عن حکم الضعیف العامّ أو لاعتقادهم بالثقة فی نقل الرجل و إن کان غیر مرضی فی بقیة أعماله.» (همان)

سوم آن که امینی با بیان سایر اقوال مربوط به زافر، وثاقت او را از نظر دیگر بزرگان از محدثین اهل سنت بیان می‌دارد: «أنّ زافراً وثّقه أحمد و ابن معین، و قال أبوداود: ثقةٌ کان رجلًا صالحاً، و قال أبوحاتم: محلّه الصدق.» (همان). بدین معنی که نظر سیوطی کلامی مورد اتفاق دانشمندان سنی نیست.

۶. بیان نوع سند

از نظر اهل سنت، حدیث حسن حدیثی است که سند آن متّصل و به نقل از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

راوی عادل کم ضبط بوده و از شذوذ و علّت سالم باشد (صبحی صالح، ۱۱۹). بنابراین می‌توان آن را در حدّ حدیث صحیح در نظر گرفت. در بخش مناشده‌ها در دو مورد، حسن بودن روایت به نقل از علمای حدیثی عامه آورده شده است: یکی پس از نقل مناشدهٔ رحبه در کتاب اسنی المطالب که می‌گوید: «هذا حدیث حسن من هذا الوجه، و صحیح من وجوه کثیرة، تواتر عن أمیر المؤمنین علی، و هو متواتر أیضاً عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم» (ابن جزری، ۴۷و ۴۸). دیگری پس از نقل مناشده جابر بن عبد اللّه در البدایه و النهایه که در آن منبع آمده است: «قال شیخنا الذهبی: هذا حدیث حسن.» (ابن کثیر، ۵/ ۲۳۲) پر واضح است که علامه امینی با بیان این قبیل موارد می‌کوشد بر صحّت روایات مناشده توسط علمای اهل سنت تأکید داشته باشد.

ج) رویکردهای علامه امینی در بیان تحریف

بررسی کار امینی نشان می‌دهد که ایشان برای نوشتن هر بخش از کتاب الغدیر نهایت دقت را به کار برده و با دقت‌های متنی و سندی، هر جا تحریفی صورت گرفته، آنها را با استدلال و با مقایسه با سایر متن‌ها و سندها آشکار ساخته است. ایشان در لابلای بخش مناشده‌ها، به چهار مورد از تحریفاتی که در کتب عامه نسبت به برخی از این احادیث صورت گرفته، اشاره کرده است که با بررسی آنها می‌توان رویکردهای علامه در بیان تحریف را در احادیث مناشده به سه گروه تقسیم کرد:

۱. تشخیص سقط و تحریف در سند و متن

ذیل شرح حال عبدالرحمن مدلج در «الاصابه»، مناشده رحبه به نقل از ابن عقده به صورت زیر آورده شده است: «ذکره أبو العبّاس بن عقدة فی کتاب الموالاة، و أخرج من طریق موسی بن النضر بن الربیع الحمصی، حدّثنی سعد بن طالب أبو غیلان، حدّثنی أبو إسحاق، حدّثنی من لا أُحصی: أنَّ علیا نَشَد الناس فی الرحبة: «من سمِع قول رسول اللّه صلی الله علیه و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

سلم: من كنتُ مولاه فعلی مولاه». فقام نفر- منهم عبد الرحمن بن مُدلج- فشهدوا: أنَّهم سمِعوا ذاك من رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم، و أخرجه ابن شاهين عن ابن عقدة، و استدركه أبو موسی.» (ابن حجر،۴۲۱/۲)

امینی ابتدا این مناشده را از اُسدالغابه به نقل از ابن عقده می‌آورد که در آن سند حدیث از طریق موسی بن نضر از ابی غیلان سعد بن طالب از ابی اسحق از چهار نفر به نام‌های سعید بن وهب و عمرو ذی مرّ، و زید بن یثیع، و هانی بن هانی روایت شده و در متن آن پس از ذکر حدیث غدیر چنین آمده است که: «فقام نفر، فشهدوا أنَّهم سمعوا ذلك من رسول اللَّه صلی الله علیه و سلم و كتم قومٌ، فما خرجوا من الدنيا حتی عَمُوا، و أصابتهم آفة، منهم: يزيد بن وديعة، و عبد الرحمن بن مدلج.» (ابن اثیر،۴۹۲/۳)

در ادامه امینی با مقایسه این دو نقل، وجود سقط در سند و متن و نیز تحریف در متن الاصابه را به صورت زیر بیان می‌کند: «و تو (خواننده عزیز) می‌بینی که ابن حجر چگونه با حدیث مزبور از حیث سند و متن آن بازی کرده و آن را با از قلم انداختن چهار نفر راویان نامبرده‌اش زیر و رو کرده و داستان آنان را که کتمان شهادت نمودند و دچار نفرین (امیر المؤمنین علیه السلام) شدند حذف نموده و عبد الرحمن بن مدلج را که از جمله کتمان کنندگان حدیث بوده در شمار راویان آن در آورده و نام یزید بن ودیعه را اساسا از بین برده است؟!» (امینی،۳۵۴/۱)

۲. تشخیصِ افزودن و کاستن از متن هنگام چاپ

امینی علاوه بر بررسی احادیث در کتاب‌های نویسندگان مختلف و مقایسه آنها با هم، چاپ‌های مختلف یک کتاب را نیز با هم مقایسه می‌کند و در این مسیر به نمونه‌هایی از افزودگی و سقط از حدیث برخوردکرده است:

۲-۱. افزودگی به متن

با مقایسه چاپ‌های کتاب «المعارف» در بخش مربوط به «گرفتار شدن انس بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

مالک به نفرین امیرالمومنین علیه السلام درماجرای مناشده رحبه»، نمونه‌ای از افزودن به متن را یافته است. در برخی از نسخه‌های این کتاب در مورد انس نوشته شده است: «أنس بن مالك كان بوجهه برص، و ذكر قوم: أنَّ عليا رضى الله عنه سأله عن قول رسول اللَّه: اللّهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، فقال: كبرت سنّى و نسيت، فقال على: إن كنتَ كاذباً فضربك اللَّه ببيضاء لا تواريها العمامة». (ابن قتیبه، ۵۸۰)

علامه امینی پس از بیان سخن ابن قتیبه و نیز تصریح بر اعتماد ابن ابی الحدید بر او در این مساله می افزاید: «این سخن کاشف است از یقین ابن ابی الحدید به صحّت عبارت و برابر بودن نسخه‌های کتاب و تطابق آنها بر این مطلب... ولی در چاپخانه‌های مصری دستهایی که باید نسبت به ودایع علماء در کتبشان امین باشند (متاسفانه) مرتکب خیانت شده و کلماتی که از ابن قتیبه نیست و در متن کتاب او وجود نداشته بر آن افزوده‌اند!! و پس از ذکر این داستان این جمله را درج کرده‌اند: «ابو محمّد (ابن قتیبه) گوید: این داستان اصل و حقیقت ندارد.»؛ غافل از اینکه سیاق مطالب اصل کتاب این خیانت را نشان خواهد داد و این افزایش خائنانه را نمی‌پذیرد!». (امینی، ۳۸۹/۱)

امینی در ادامه علت این عدم پذیرش را چنین بیان می‌کند: «مؤلّف کتاب «المعارف» در مورد هر موضوعی مصادیق و مواردی را ذکر می‌کند که در نزد او مسلّم باشد، و از آغاز تا انجام این کتاب دیده نشده که موضوعی را عنوان نماید و مصادیق آن را بیاورد و سپس آنها را نفی و ردّ کند، جز موضوع مورد بحث! چه اوّل کسی را که مبتلا به برص شده و نام او را می‌برد انس بن مالک است، سپس نام افراد دیگر را می‌برد؛ بنابر این آیا ممکن است که مؤلّف در اثبات امری، چیزی را که مصداق آن امر دانسته ذکر و به آن تصریح کند و سپس آن را انکار کند و بگوید: این داستان اصل ندارد؟!» (همان)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

۲-۲. تفاوت چاپ‌های مختلف یک کتاب

در مقایسه دو کتاب با هم نیز، امینی به نمونه‌ای از سقط در چاپ دست یافته است. در شرح نهج‌البلاغه پس از بیان مناشده بر اباهریره می‌گوید: «قد ذکر ابن قتیبة هذا کلّه فی کتاب «المعارف» فی ترجمة أبی هریرة، و قوله فیه حجّة لأنّه غیر متّهم علیه.» (ابن ابی الحدید، ۶۸/۴)

امینی با مراجعه به کتاب «المعارف» اثری از این سخن در آن نمی‌یابد! لذا آن را به چاپخانه نسبت داده و می‌گوید: «هذا کلّه قد أسقطته عن کتاب المعارف، طبعة مصر (۱۳۵۳هـ)، ید التحریف اللاعبة به.» (امینی، ۴۰۸/۱)

۳. تشخیص تلخیص در حدیث

گاه محدث برای کوچک و بی قدر شمردن یک سخن، ممکن است دست به تلخیص آن بزند! ابن کثیر در «البدایه و النهایه» مناشده مردی عراقی بر جابر بن عبدالله را به صورت زیر آورده است:

«قال المطّلب بن زیاد عن عبد اللّه ابن محمد بن عقیل، سمع جابر بن عبد اللّه یقول: کنّا بالجُحفة بغدیر خُمّ، فخرج علینا رسول اللّه صلی الله علیه و سلم من خِباء أو فسطاط، فأخذ بید علی، فقال: «من کنتُ مولاه فعلی مولاه». قال شیخنا الذهبی: هذا حدیث حسن.» (ابن کثیر، ۲۳۲/۵)

علامه امینی پیشتر این مناشده را از کتاب‌های دیگر نقل کرده که هم طولانی‌تر است و هم حاوی نکات زیادی می‌باشد. سپس می‌گوید: «لایهمّنا إسقاط ابن کثیر من الحدیث شطراً فیه الجمع الحضور عند جابر و مناشدة العراقی إیاه، و ذکره الحدیث بصورة مصغَّرة.» (امینی، ۴۱۱/۱) یعنی: برای ما مهمّ نیست که ابن کثیر قسمتی از حدیث را که مشتمل بر ذکر گروهی است که نزد جابر بوده‌اند از آن انداخته و مناشده مرد عراقی را بر جابر ذکر نکرده و حدیث را کوچک و بی قدر ذکر نموده است!

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش عبارت است از:

۱. علامه امینی نشان می‌دهد که بین صحابه و تابعین، استدلال به واقعه غدیر و یادآوری آن با مبادله سوگند، بسیار رخ داده است و این امر نشان می‌دهد واقعه غدیر از حوادث غیر قابل تردید است.

۲. به عقیدهٔ ایشان، هدف پیشوایان دینی، از بیان مناشده‌ها و احتجاج‌ها آن است که با چنین مبنای راسخ و نصّ صریحی، امامت و وصایت پدران خود را آشکار نمایند؛ به همین جهت أمیر المؤمنین علیه‌السلام نیز در طول دوران زندگی خود بارها به حدیث غدیر احتجاج کرده و اصحابی را که در حجة الوداع حضور داشتند، در مجامع عمومی سوگند می‌داد و از آنها بر این امر گواهی می‌طلبید.

۳. برای اثبات این مدعا، امینی کوشیده است که این مناشده‌ها را عموماً از کتب اهل سنت و با سلسله سندهایی متصل نقل کند، از راویانی که در نظر آنها ثقه باشند.

۴. ایشان با مقایسه یک مناشده در کتاب‌های مختلف و نیز مقایسه متن آن در چاپ‌های مختلف یک کتاب خطاهای نگارشی، سقط، افزایش، تصحیف و تحریف های انجام شده در مورد هر کدام را آشکار می‌سازد.

۵. همچنین می‌کوشد با تبیین ابهامات نقل‌ها و توضیحات رجالی، قوت متن و سند مناشده‌ها را نشان دهد.

منابع

قران مجید

ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی،۱۴۰۴ق.

ابن اثیر جزری، علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: عادل أحمد الرفاعی، بیروت: دار إحیاء

التراث العربی، الطبعة الاولی، ۱۴۱۷ق.
ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
ابن جزری، محمد بن محمد، اسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی‌طالب، تحقیق: محمد هادی الامینی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علیه السلام العامه، بی‌تا.
ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، الطبعة الاولی،۱۴۱۲ق.
ابن حنبل، احمد، مسند، مصر: مؤسسة قرطبة، بی‌تا.
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، البدایة والنهایة، بیروت: مکتبة المعارف، بی‌تا.
ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب الامام علی بن أبی طالب، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۴ق.
ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
اصفهانی، ابونعیم أحمد بن عبدالله، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بیروت: دار الکتاب العربی، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ق.
امینی نجفی، عبدالحسین، الغدیرفی الکتاب و السنه و الادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۶ق.
امینی نجفی، عبدالحسین، المقاصد العلیه فی المطالب السنیه، تحقیق: محمد الطباطبایی الیزدی، قم: دارالتفسیر، الطبعه الاولی، ۱۴۳۴ق.
باقرزاده، عبدالرحمن؛ زینب السادات حسینی، یوم الرحبه و تحلیل مواجهه شاهدان غدیر خم با آن، پژوهش‌نامه امامیه، سال سوم، شماره ششم، ۱۳۹۶.
توحیدی، امیر، بررسی احادیث مناشده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
جواد، ابراهیم، احیاء الغدیر فی مدینه الکوفه، مشهد، المکتبه المتخصصه بامیرالمومنین علی علیه السلام، الطبعه الاولی، ۱۴۳۹ق.
حاکم نیشابوری، محمد بن ابی عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولی، ۱۴۱۱ق.
حسینی طهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]

حسینی میلانی، سید علی، نفحات الازهار، قم: مهر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
حکیمی، محمدرضا، حماسه غدیر، قم، دلیل ما، چاپ ۲۲، ۱۳۸۴ش.
حموینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، تحقیق: محمد باقر المحمودی، بیروت: موسسه المحمودی، ۱۴۰۰ق.
زرکلی، خیرالدین بن محمود، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م.
سیوطی، عبدالرحمن، اللآلی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.
شاکری، حسین. ربع قرن مع العلامه الامینی، قم: بی‌نا، ۱۴۱۷ق.
شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق
صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق و تصحیح علی اکبر الغفاری، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، نجف: دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تحقیق: موسسه البعثه، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرایی، تصحیح: أسعد الطیب، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، تحقیق: علی بن جمال الحسینی، قم: دار الاسوه للطباعه و النشر، الطبعه الثانیه، ۱۴۲۲ق.
محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله، الریاض النضره فی مناقب النضره، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، الطبعه الثانیه، ۱۴۲۴ق.
ملکیان، مصطفی، روش‌شناسی در علوم سیاسی، مجله علوم سیاسی، شماره چهاردهم، ۱۳۸۰.
نسائی، أحمد بن شعیب، خصائص أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب، تحقیق: أحمد میرین البلوشی، الکویت: مکتبة المعلا، الطبعة الاولی، ۱۴۰۶ق.
هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، ۱۴۰۵.
هندی، میرحامد حسین، عبقات الانوار فی إمامَة الأئمةِ الأطهار، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۳۶۶ ش.
Meriam-Webster’s advanced learner’s dictionary، united state، 2008.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.70.6.8]